

مصاحبه‌ی اختصاصی با اهون چیاکو (عضو مجلس پژاک)

آرشیو

سال چهاردهم
دوباره چهارم
شماره سیزدهم
شهریور ۱۴۰۵

- پژاک؛ دستاوردها، تجربه‌ها و کاستی‌های دو دهه مبارزه
- کنگره آزادی ایران؛ ظرفیت‌ها، چالش‌ها و ضرورت انسجام گفتمانی
- هم‌پیمانی احزاب کوردستان؛ از همکاری تاکتیکی تا اتحاد استراتژیک

ژن ژیان آزادی
از یک خیزش
تا پروژه‌ای برای آینده ایران



آرشیو

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان / پژاک

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی
سال چهاردهم، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی سیزدهم

شهریور ۱۴۰۵

۱۳

SEPTEMBER 2026



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.



telegram:

[PJAKMEDIACENTER](https://t.me/PJAKMEDIACENTER)

Gmail:

PJAKMEDIACENTER@GMAIL.COM



مصاحبه‌ی اختصاصی با
اهون چیاکو
(عضو مجلس پژاک)

سیاست‌ورزی واقع‌بینانه در بستر تکثر ایران: رویکرد پژاک به اتحادهای دموکراتیک، انقلاب «ژن ژیان آزادی» و سناریوهای دوران گذار

آلترناتیو: است؟ مهم‌ترین نشانه‌های این مرحله از نگاه پژاک چیست؟
اهون چیاکو: شکاف میان جامعه و جمهوری اسلامی ایران عمیق‌تر از هر زمان دیگری شده است؛ جامعه خواستار شیوه‌ای از زندگی است که از نظر ذهنی، فرهنگی و عینی، تفاوت بنیادینی با ایدئولوژی حاکم دارد. در مقابل، این حکومت نه تنها در راستای منافع عمومی

آلترناتیو: اگر بخواهید وضعیت امروز ایران را نه فقط از منظر حکومت، بلکه از منظر جامعه بررسی کنید، ایران در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ آیا جامعه هنوز در ادامه همان روندی است که در انقلاب «ژن ژیان آزادی» آشکار شد، یا وارد مرحله سیاسی و اجتماعی تازه‌ای شده

گام برنمی‌دارد، بلکه با سیاست‌های ایدئولوژی‌محور خود، پویایی اقتصاد را مختل کرده و منابع ملی را به جای رفع نیازهای مردم، صرفاً در مسیر بقای ساختار قدرت هزینه می‌کند. در سوی

بیش از هر عامل خارجی، زمینه افول و فروپاشی نظام را فراهم ساخته است؛ روندی که امروز حکومت را بیش از همیشه در تنگنای فشارهای خردکننده داخلی و خارجی گرفتار کرده است

انقلاب «ژن ژیان آزادی» تنها یک رویداد مقطعی نیست، بلکه به ژرف‌ترین لایه‌های حیات اجتماعی نفوذ کرده و به قطب‌نمای مبارزاتی جامعه‌ی ایران بدل شده است. این گفتمان با نشانه رفتن ریشه‌های ایدئولوژیک و بنیادین ساختار استبدادی، نه تنها اقتدار پوشالی رژیم را به چالش کشیده، بلکه توانسته است با تکیه بر مفهوم «تخریب خلاقانه»، کهنه، فرسوده و نظام‌مند سلطه را هدف بگیرد و هم‌زمان بسترها و امکان‌های نوینی برای زیست آزادانه خلق کند. اتصال ناگسستنی مبارزات امروز جامعه به این انقلاب، نشان می‌دهد که «ژن ژیان آزادی» فراتر از یک شعار یا جنبش خیابانی، هم‌زمان هم ابزار براندازی وضع موجود و هم طرحی رادیکال برای ساختن فردایی رها از تبعیض و ستم است؛ پروژه‌ای زنده و پویا که رگه‌های حیاتی‌اش هر روز در بطن جامعه بازتولید می‌شود و آینده را به نفع زندگی و آزادی رقم می‌زند

انقلاب «ژن ژیان آزادی» تنها یک رویداد مقطعی نیست، بلکه به ژرف‌ترین لایه‌های حیات اجتماعی نفوذ کرده و به قطب‌نمای مبارزاتی جامعه‌ی ایران بدل شده است

دیگر میدان، جامعه روزبه‌روز به حقوق و منافع خود آگاه‌تر و مطالبه‌گرتر می‌شود. افشای پی‌درپی جنایات و آگاهی روزافزون عمومی نسبت به تاریخچه سرکوب، رابطه‌ای آناگونیستی و آشتی‌ناپذیر میان حاکمیت و مردم پدید آورده است. اگر بحران‌های ساختاری و ایدئولوژیک درون حکومت را نیز به این معادله اضافه کنیم، درمی‌یابیم که این پویایی‌های درونی و تقابل مردمی،

آلترناتیو: پژاک بیش از دو دهه است که در صحنه سیاسی کوردستان و ایران حضور دارد. اگر امروز بخواهید کارنامه این سال‌ها را ارزیابی کنید، بزرگ‌ترین دستاورد پژاک چه بوده و مهم‌ترین جایی که نتوانسته به هدف خود برسد کجاست؟ پژاک از اشتباهات و تجربه‌های گذشته خود چه آموخته است؟

اهون چیاکو: برای درک درست این موضوع، باید ابتدا تابلوی پیش از ظهور پژاک و وضعیت امروز ایران و کوردستان را پیش روی خود ترسیم کنیم. می‌دانیم که در دهه شصت مبارزات عظیمی در برابر جمهوری اسلامی ایران در جریان بود، ولی متأسفانه به نتیجه مطلوب نرسید. این امر باعث شد در دهه هفتاد شاهد تابلویی از کوردستان باشیم که در یک سوی آن، رژیم قرار داشت که تصور می‌کرد به قضیه فیصله بخشیده و برای همیشه خود را از نیروی مبارزه کوردستان خلاص کرده است؛ و در سوی دیگر، جامعه‌ای مأیوس و داغ‌دیده به دلیل عدم کسب نتیجه از مبارزات پیشین حضور داشت

با ورود پژاک به میدان مبارزه در دهه هشتاد، امروز می‌بینیم که کوردستان نه تنها به طور پویا برای احقاق حقوق خود در صحنه حضور دارد، بلکه به پشاهنگ مبارزات سراسری در سطح ایران نیز تبدیل شده است. اگر تأملی بر وضعیت بحرانی و وامانده‌ی کنونی رژیم داشته باشیم - که مبارزات کوردستان نقش بسزایی در شکل‌گیری آن داشته است - به ارزش دستاوردهای پژاک نیز بهتری می‌بریم. این جریان همواره کوشیده است با ایجاد پیوندی عمیق میان مبارزات کوردستان و سایر نقاط ایران، تمام سیاه‌نمایی‌های حکومت علیه ملت کورد را خنثی کند و تصویری واقعی از واقعیت‌های کوردستان به نمایش بگذارد. پیوند عمیق و انکارناشدنی با «ژن ژیان آزادی» و میزان پذیرش آن از سوی نیروهای آزادی‌خواه در سراسر ایران، گواهی بر این روند رو به رشد است. بی‌شک، مقصود اغراق در نقش‌آفرینی پژاک نیست و به حضور و تلاش دیگر نیروهای اجتماعی نیز ارج گذاشته می‌شود؛ بلکه سخن بر سر نقش کلیدی و پیشروی این جریان در کنار سایر پتانسیل‌های آزادی‌خواه است که دستاوردهای خود

را متعلق به همگان می‌داند

پژاک در کنار تمام دستاوردهای بنیادین خود، با کاستی‌هایی نیز روبه‌رو بوده است؛ از جمله اینکه می‌توانست فلسفه وجودی و رویکرد مدنی خود را سریع‌تر و روشن‌تر به بدنه‌ی جامعه‌ی کوردستان و سراسر ایران منتقل کند. این جریان هرگز به یک ساختار صرفاً نظامی تقلیل نیافته، بلکه همواره تلاش کرده است پیشاهنگی جامعه‌ی مدنی را بر عهده بگیرد و با تولید فکر و اندیشه، تلفیقی کارآمد میان مبارزات ملی-فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند. تکیه بر سیاست دموکراتیک مبتنی بر عاملیت جامعه در برابر الیتیزم و مبارزه‌ی دور از بطن توده‌ها، از اصول اساسی این جریان بوده است. هرچند با دقت بیشتر می‌توانست سیاه‌نمایی‌های حکومت را زودتر خنثی کند، اما اذعان خودِ تشکیلات به این خلأها و برداشتن گام‌های بزرگ و مؤثر در سال‌های اخیر برای جبران آن‌ها، نشانگر پویایی و انعطاف‌پذیری این خط مبارزاتی است

آلترناتیو: یکی از پرسش‌هایی که شاید بخشی از جامعه ایران داشته باشد این است که

پژاک دقیقاً چه می‌خواهد؟ اگر بخواهید برنامه پژاک برای آینده ایران را برای شهروندی که هیچ آشنایی قبلی با این حزب ندارد توضیح دهید، مدل مطلوب شما برای اداره ایران چیست و در آن، مسئله کورد، سایر ملیت‌ها، زنان، آزادی‌های فردی و تقسیم قدرت چگونه حل می‌شود؟

اهون چیاکو: اهداف و چشم‌انداز پژاک روشن و صریح است؛ این جریان در مواضع مکرر خود بر تحقق حقوق ملی ملت کورد و دیگر خلق‌های ایران و احقاق حقوق اقتصادی، سیاسی، مدنی و اجتماعی تمامی اقشار جامعه تأکید کرده و پشتیبان راستین جنبش‌های آزادی‌خواه، به‌ویژه جنبش زنان، کارگران و مدافعان محیط‌زیست بوده است. در سطح کلان سیاسی، در میان دوگانه ویرانگرِ میان تمایل به حفظ ساختار متمرکز ناتوان از حل مسئله ملی و تمایل به گسست جغرافیایی و اجتماعی، پژاک راه سومی را برگزیده است: ایران نامتمرکز، مبتنی بر حل دموکراتیک مسائل ملی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، که می‌توان آن را در قالب

الگوی چون «جمهوری دموکراتیک ایران» صورت‌بندی کرد

آلترناتیو: پژاک از «جمهوری دموکراتیک» سخن می‌گوید. تفاوت این مدل با جمهوری اسلامی از یک سو و یک جمهوری

«جمهوری اسلامی ایران» که با انحصارگراییِ مردسالارانه، فارس‌محور و شیعه‌ی اثنی‌عشری مبتنی بر ولایت فقیه شکل گرفته، تهی کردن واژه‌ی جمهوریت از معنای اصیل آن است.

متمرکز و سکولار از سوی دیگر چیست؟ مهم‌تر اینکه این مفهوم چگونه می‌تواند از یک ایده نظری به ساختاری عملی برای اداره کشوری متکثر مانند ایران تبدیل شود؟

اهون چیاکو: نسبت‌دادن ماهیت یک نظام جمهوری به یک ایدئولوژی، دین، مذهب، قومیت و زبانی خاص،

آشکارا تناقض‌نما و نقض فاحش مفهوم واقعی جمهوریت است. عنوان «جمهوری اسلامی ایران» که با انحصارگراییِ مردسالارانه، فارس‌محور و شیعه‌ی اثنی‌عشری مبتنی بر ولایت فقیه شکل گرفته، تهی کردن واژه‌ی جمهوریت از معنای اصیل آن است. چنین ساختاری در گام نخست، نیمی از جامعه یعنی زنان را به حاشیه رانده و حذف می‌کند؛ و در گام دوم، با تفکیک شهروندان به خودی و غیرخودی، تمامی غیرفارس‌ها، غیرمسلمان‌ها، پیروان سایر مذاهب و حتی شیعیانی را که قرائتی متفاوت از تشیع حکومتی دارند، از دایره‌ی حقوق شهروندی برابر محروم می‌سازد. این رویکرد انحصارطلبانه نه تنها در تقابل بنیادین با فلسفه‌ی سیاسی جمهوریت قرار دارد، بلکه بستره‌ساز بحران‌های عمیق و پایدار حقوق بشری در کشور شده است

نوع جمهوری سکولار متمرکز نیز، فارغ از آنکه تمرکزگرایی در بُعد جهان‌شمول خود نیز مردود است، به‌طور ویژه کمترین همخوانی را با واقعیت ملی و اجتماعی ایران ندارد. به‌ویژه اگر این نوع جمهوری با خمیرمایه ناسیونالیسم فارس‌محور ایرانی

بزرگی ساختند

جمهوری دموکراتیک مدنظر ما تلاش می‌کند از نظر محتوا و ساختار، کاملاً با واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، ملی و جغرافیایی ایران هماهنگ باشد. از یک سو، می‌خواهد ایران را به مکانی امن و سالم برای زندگی شهروندانش تبدیل کند، آن را از نقش تخریب‌گر منطقه‌ای که حکومت فعلی به دوش می‌کشد بیرون بیاورد و به پشاهنگ ثبات در منطقه بدل سازد. همچنین، کشوری را که سیاست‌های جمهوری اسلامی به تهدیدی برای جهان تبدیل کرده است، به فرصتی برای صلح و امنیت بین‌المللی تبدیل کند. از نظر ساختاری نیز، این مدل بر پایه «دموکراسی محلی» استوار است و به همین دلیل می‌توان آن را در قالب «جمهوری دموکراتیک ایران» تعریف کرد. از آنجا که پیش‌تر من و دیگر رفقایم مفصل درباره این موضوع نوشته‌ایم و این مطالب در سایت پژاک و نشریه «آلترناتیو» موجود است - برای طولانی نشدن بحث، به همین مقدار بسنده می‌کنم

**آلترناتیو: جمهوری اسلامی
پژاک را یک جریان مسلح،**

بنیاد نهاده شود، به دلیل نارسایی فاحش محتوایی و ساختاری در نسبت با واقعیت اجتماعی و فراملی ایران، در کمترین زمان ممکن برای استقرار خود به خشونت متوسل می‌شود و به درون دیکتاتوری، تمامیت‌خواهی و حتی فاشیسم می‌لغزد. ما نمونه چنین جمهوری‌هایی را، البته به اصطلاح در قطب چپ و استالینیستی، دیده‌ایم که تحت عنوان جمهوری چه جنایاتی مرتکب نشده‌اند

اما «جمهوری دموکراتیک» مورد نظر ما با مدل‌های قبلی فرق زیادی دارد و فقط اسم دموکراسی را روی خود نگذاشته است. از نظر ما، کلمات خودِ حقیقت نیستند، بلکه فقط نشانه‌ای از آن هستند و معنای ثابتی ندارند؛ بلکه با توجه به شرایط زمان و مکان تغییر می‌کنند. حقیقت واقعی در متن زندگی جاری است و اگر زیباترین نظریه‌ها با زندگی واقعی مردم گره نخورند، در بهترین حالت فقط حرف‌های توخالی هستند و در بدترین حالت، به ابزاری خطرناک برای فریب مردم تبدیل می‌شوند - همان‌طور که نازی‌ها از نام «سوسیالیسم» سوءاستفاده کردند و در دو قرن گذشته خیلی‌ها کلماتی مثل «کمونیسم» و «دموکراسی» را ابزار فجایع

برای آینده‌ی ایران، چیزی جز استقرار
دموکراسی و آزادی نیست؛ هدفی که
کاملاً با خواسته‌های عمومی جامعه‌ی
ایران هم‌سو است

**تجزیه‌طلب معرفی می‌کند. در
مقابل، پژاک خود را بخشی از
مبارزه برای دموکراتیزه کردن
ایران می‌داند. پاسخ شما به
شهروند ایرانی‌ای که تحت
تأثیر این دو روایت می‌پرسد
«واقعاً پژاک چه نیرویی است
و چه آینده‌ای برای ایران
می‌خواهد؟» چیست؟**

اهون چیاکو: پژاک مسئله‌ی
کورد را در چارچوب یک ایران آزاد
و دموکراتیک دنبال می‌کند و به دنبال
تجزیه جغرافیایی ایران نیست؛ بلکه تلاش
دارد از تمام ظرفیت‌ها برای حل این
مسئله در درون مرزهای ایران بهره ببرد.
در مقابل، وظیفه‌ی حامیان یکپارچگی
ایران نیز این است که بستر لازم برای
تحقق این مطالبه را فراهم سازند

در خصوص رویکرد نظامی‌انگارانه
به پژاک نیز باید تأکید کرد که این
جریان اساساً یک تشکل سیاسی و مبتنی
بر گفتمان دموکراتیک است چنان‌که
در اساسنامه آن نیز به‌صراحت آمده
است. پژاک استراتژی جنگ مسلحانه را
رد می‌کند و صرفاً بر اساس منشور ملل
متحد، برای حق دفاع مشروع جایگاه
قائل است. هدف نهایی این جریان

**پژاک مسئله‌ی کورد را در
چارچوب یک ایران آزاد و
دموکراتیک دنبال می‌کند و
به دنبال تجزیه جغرافیایی
ایران نیست؛ بلکه تلاش دارد
از تمام ظرفیت‌ها برای حل
این مسئله در درون مرزهای
ایران بهره ببرد. در مقابل،
وظیفه‌ی حامیان یکپارچگی
ایران نیز این است که بستر
لازم برای تحقق این مطالبه را
فراهم سازند**

**آلترناتیو: جامعه ایران از نظر
فکری و سیاسی بسیار متکثر
است. پژاک چگونه می‌تواند
ضمن حفظ مبانی فکری خود،
با نیروهای چپ، لیبرال،**

در نهایت، پژاک بر این باور است که هم برای دوران مبارزه با حکومت و هم برای مدیریت اجتماعی دوران پساجمهوری اسلامی، باید اصل «وحدت در کثرت» را سرلوحه قرار داد؛ اصلی

جمهوری خواه، ملی، مذهبی، جنبش های زنان و دیگر جریان ها بر سر یک آینده مشترک همکاری کند؟

اهون چیاکو: گفتمان پژاک بر پایه ی کثرت گرایی بنا شده و با عبور از چارچوب های محدود ناسیونالیسم کلاسیک و اقتصاد گرایی سوسیالیسم سنتی، به درکی عمیق از دموکراسی دست یافته است. این جریان به مفهوم «انبوه خلق» باور دارد و بر این اساس، بدنه ی جمعیتی جامعه به جز اقلیتی رانت خوار و زالوصفت را در بر می گیرد؛ جمعیتی که از نظر فرهنگی، فکری، سیاسی و اقتصادی یکدست نیست. پژاک می کوشد تا با طیف گوناگون افراد، گروه ها، احزاب و جریان های درون این جامعه، برای مقابله با دشمنان آزادی هم افزایی ایجاد کند. شعار و گفتمان «ژن ژیان آزادی» چنان گستردگی دارد که می تواند منافع تمامی این لایه ها را تضمین نماید. بدیهی است که نوع ارتباط با این گروه ها یکسان نیست؛ برخی جنبه ی استراتژیک دارند و با برخی دیگر در چارچوب «اصول ثابت و انعطاف در تاکتیک» مراوده می شود که عین دموکراسی و تکثر پذیری است.

هم پیمانی احزاب و جریان های سیاسی کوردستان پیش از هر چیز پاسخی به یک ضرورت مبرم سیاسی و خواسته ی ملی و اجتماعی است. تمام جریانات درون این ائتلاف به این درک رسیده اند که هیچ نیرویی به تنهایی قادر به تضمین آینده ای روشن برای کوردستان نیست

بنیادین در سیاست دموکراتیک که هرگز اعتبار خود را از دست نمی دهد

آلترناتیو: مدتی است نوعی هم پیمانی و همکاری میان شماری از احزاب و نیروهای کورد شکل گرفته است. این

هم‌پیمانی از نگاه پژاک چه اهمیتی دارد و قرار است چه مسئله‌ای را حل کند؟ آیا با یک اتحاد تاکتیکی در برابر شرایط موجود روبه‌رو هستیم یا می‌تواند مقدمه شکل‌گیری یک راهبرد مشترک و تاریخی میان نیروهای سیاسی کوردستان ایران باشد؟

اهون چیاکو: هم‌پیمانی احزاب و جریان‌های سیاسی کوردستان پیش از هر چیز پاسخی به یک ضرورت مبرم سیاسی و خواسته‌ی ملی و اجتماعی است. تمام جریان‌ات درون این ائتلاف به این درک رسیده‌اند که هیچ نیرویی به‌تنهایی قادر به تضمین آینده‌ای روشن برای کوردستان نیست و این رسالت خطیر جز از مسیر همکاری و هماهنگی همگانی میسر نمی‌شود؛ روندی که پژاک نیز همواره یکی از ارکان فعال و مؤثر در شکل‌گیری و تداوم آن بوده است

از نگاه ما، این هم‌پیمانی نباید در سطح محدود همکاری‌های تاکتیکی و فنی باقی بماند، بلکه باید به اتحادی استراتژیک، ریشه‌دار و مستمر تبدیل شود. افزون بر این، ائتلاف کوردستانی

باید از مرزهای محصور حزبی فراتر رفته و ظرفیت پذیرش سایر نیروهای مدنی، اجتماعی و سیاسی را در خود ایجاد کند تا در نهایت به یک «قرارداد اجتماعی و ملی» در سطح کوردستان بدل گردد. تنها از این طریق است که ائتلاف می‌تواند پتانسیل عظیم جامعه‌ی کورد را-چه در داخل و چه در دیاسپورا- به میدان آورده و در مسیری اثرگذار هدایت کند؛ در غیر این صورت، در بند فقدان استراتژی و چشم‌انداز روشن، شکننده و آسیب‌پذیر باقی خواهد ماند

آلترناتیو: تجربه چند دهه گذشته نشان داده که اختلافات میان احزاب کورد گاهی به اندازه اختلاف آنها با حکومت‌ها جدی بوده است. چه تضمینی وجود دارد که هم‌پیمانی کنونی نیز با تغییر شرایط سیاسی یا تشدید رقابت‌های حزبی از هم نپاشد؟ پژاک برای حفظ این همکاری حاضر است از چه بخشی از منافع یا ملاحظات حزبی خود عبور کند؟

اهون چیاکو: اختلافات و رقابت‌های

موانع جدی است که تداوم آن می‌تواند مسیر همگرایی ملی را با خطر مواجه سازد

ما به عنوان حزب حیات آزاد کوردستان (پژاک)، تمامی ظرفیت و توان خود را به کار بسته‌ایم تا مناسبات ناسالم و آسیب‌زای گذشته را کنار

ناسالم میان احزاب کوردستانی همواره صدمات جبران‌ناپذیری به بدنه‌ی جامعه‌ی کورد وارد کرده است؛ به گونه‌ای که در دوره‌هایی به درگیری‌های مسلحانه و تلاش برای حذف متقابل انجامیده و تراژدی تلخی را رقم زده است. این واقعیت تلخ زمانی برجسته‌تر می‌شود که می‌بینیم گاه انعطاف و تعاملی که احزاب در برابر نیروهای خارج از کوردستان و حتی حکومت‌های سرکوبگر از خود بروز داده‌اند، در تعامل با رقیب هم‌سنگ و هم‌سرنوشت اعمال نکرده‌اند

در کنار این شکاف‌های بین‌حزبی، آسیب‌های برخاسته از تنش‌های پنهان درون‌حزبی نیز کمتر از اختلافات آشکار نبوده و بارها به استهلاک نیرو، انشعاب‌های فرساینده و حتی منازعات مسلحانه‌ی جناحی منجر شده است. فروپاشی «مرکز همکاری احزاب کوردستان» پیش از شکل‌گیری هم‌پیمانی اخیر، نمونه‌ی بارزی از تبعات همین انشعاب‌ها و تنش‌های درون‌ساختاری بود. افزون بر این، مقاومت و حساسیت‌های ناخوشایند احزاب سنتی و قدیمی‌تر در برابر حضور و پویایی جریان‌های نوظهور، از دیگر

**کنگره آزادی ایران،
مشروط بر اینکه بتواند در
برابر فشارهای ناسیونالیسم
مرکز‌گرای ایران مقاومت
کند و از سوی دیگر، احزاب
و نیروهای متعلق به ملل
تحت ستم-از جمله چهره‌ها
و احزاب کورد حاضر در آن-
به دام ناسیونالیسم تنگ‌نظر و
انحصارطلب نیفتند**

گذاشته و روابطی بر پایه همکاری، اعتماد و همگرایی بنا کنیم. با این حال، تحقق این هدف بزرگ تنها به اراده‌ی یک جریان وابسته نیست؛ اگر تمامی

احزاب و جریان‌ها با همین حساسیت و احساس مسئولیت به میدان نآیند، ممکن است نتیجه‌ی مطلوب جامعه‌ی ما به دست نیاید. امیدواریم در این مرحله، با عزم جدی همه‌ی بازیگران سیاسی - اعم از احزاب درون و بیرون هم‌پیمانی کوردستانی، نخبگان و نهادهای مدنی - روند تحولات به نفع اتحاد و منافع پایدار کوردستان رقم بخورد. بدون شک، همبستگی و انسجام در صفوف مبارزاتی کورد، تأثیری مستقیم و الهام‌بخش بر دیگر جنبش‌های آزادی‌خواه سراسر ایران، به‌ویژه جنبش خلق‌های تحت ستم خواهد گذاشت و نویدبخش پیروزی مشترک خواهد بود

آلترناتیو: پژاک در «کنگره آزادی» نیز حضور دارد. امروز ارزیابی شما از عملکرد این کنگره چیست؟ آیا واقعاً توانسته از مجموعه‌ای از احزاب و سازمان‌ها به یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی قابل لمس برای مردم ایران نزدیک شود؟ ضعف‌های آن چیست و خود پژاک در قبال این ضعف‌ها چه مسئولیتی دارد؟

اهون چیاکو: کنگره آزادی ایران، مشروط بر اینکه بتواند در برابر فشارهای ناسیونالیسم مرکز‌گرای ایران مقاومت کند و از سوی دیگر، احزاب و نیروهای متعلق به ملل تحت ستم - از جمله چهره‌ها و احزاب کورد حاضر در آن - به دام ناسیونالیسم تنگ‌نظر و انحصارطلب نیفتند، پتانسیل آن را دارد که به بستری مناسب برای شکل‌دهی به یک آلترناتیو آزاد و دموکراتیک تبدیل شود. این نهاد هرچند هنوز در گام‌های نخستین قرار دارد و راه درازی در تکوین ساختار و غنای گفتمانی خود در پیش دارد، اما تا به اینجا کارنامه قابل قبولی از خود نشان داده است. دست‌کم اینکه درون این ظرف نوپا، شاهد جوانه زدن یک فرهنگ سیاسی و دموکراتیک جمعی و فردی در مواجهه با واقعیت متکثر ایران هستیم؛ فرهنگ و منشی که تعمیق و گسترش آن می‌تواند تأثیری تعیین‌کننده بر آینده‌ی سیاسی کشور بگذارد و در عمل، نمونه‌ای کوچک و عینی (پروتوتیپ) از یک جامعه‌ی دموکراتیک را ارائه دهد که نقشه راه ساختن فردای ایران آزاد باشد

کنگره آزادی ایران به‌جای افتادن در دام کمیت‌گرایی شتابزده و جذب

با موجی از هیجان آغاز گشتند اما در نیمه راه از هم پاشیدند. پژاک با احساس مسئولیت تمام، تلاش می کند تا کنگره آزادی را به جایگاهی برساند که نه تنها در برابر جمهوری اسلامی بایستد، بلکه سدی استوار در برابر بازتولید آلترناتیوهای اقتدارگرا و مرکزگرا در فردای ایران

«ژن ژیان آزادی» دقیقاً به ریشه زده و بنیاد جمهوری اسلامی را نشانه رفته است؛ به همین دلیل است که تا این حد رادیکال، جذاب و همه شمول ظاهر شده است

باشد؛ هر چند این رسالت خطیر نیز، مانند هر همگرایی دیگری، نیازمند عزم راسخ و مشارکت جمعی تمامی افراد و احزاب حاضر در آن است

آلترناتیو: «ژن ژیان آزادی» از کوردستان آغاز شد، اما خیلی زود مرزهای جغرافیایی و هویتی را پشت سر گذاشت و به شعاری در سراسر ایران و حتی جهان تبدیل شد. پژاک این اتفاق

فله ای نیروها به هر بهایی، باید تمرکز خود را بر انسجام گفتمانی متناسب با واقعیت های اجتماعی و ملی ایران و تدوین استراتژی سیاسی دقیق معطوف کند؛ به ویژه در بستر ژئوپلیتیک حساس و پیچیده کنونی که هوشمندی دوجندانی می طلبد. این جریان باید مراقب باشد تا از یک سو در تمنای نیروهای خارجی منفعل و وابسته نشود و از سوی دیگر، موضعی اتخاذ نکند که ناخواسته به سود ماشین سرکوب جمهوری اسلامی تمام شود. دستیابی به این مهم در گرو داشتن ادبیات و گفتاری فراگیر است که تمامی تنوعات و تکثرات رنگارنگ درون ایران، خود را در آن بازشناسند و مطمئن باشند که زیر چتر چنین گفتمانی به مطالبات برحق خود می رسند؛ اطمینانی که خود به نیروی جاذبه ای قدرتمندی برای گردآوری توده ها تبدیل خواهد شد. هر چند کارهای ارزنده ای تا کنون انجام گرفته، اما هنوز به این نقطه ای اوج نرسیده ایم و کنگره یا باید به این پختگی ساختاری و گفتمانی برسد و به بازگر تعیین کننده ی آینده ی ایران بدل شود، یا به سرنوشت تلخ ائتلاف های موسمی پیشین دچار خواهد شد که

را چگونه تفسیر می‌کند؟ آیا این انقلاب تصور شما از جامعه ایران و امکان همزیستی و مبارزه مشترک میان کوردها، فارس‌ها، بلوچ‌ها، عرب‌ها، آذری‌ها و دیگر جوامع ایران را تغییر داد؟

اهون چیاکو: قدرت و اثربخشی ایده‌ی «ژن ژیان آزادی» را شاید نتوان بهتر از تعبیر مارکس بیان کرد که می‌گوید: یک اندیشه زمانی به نیرویی مادی تبدیل می‌شود که اجتماعی گردد؛ برای اجتماعی شدن باید جذاب باشد، برای جذابیت باید رادیکال باشد، و برای رادیکال بودن باید ریشه‌ها را هدف قرار دهد. شعار «ژن ژیان آزادی» دقیقاً به ریشه زده و بنیاد جمهوری اسلامی را نشانه رفته است؛ به همین دلیل است که تا این حد رادیکال، جذاب و همه‌شمول ظاهر شده است. این شعار با قدرتی کم‌نظیر در ایران و جهان طنین‌انداز شد و توانست میان تمامی تکثرات و تنوعات جامعه-از کورد و عرب و ترک و لر و گیلک و مازنی و ترکمن گرفته تا پیروان مذاهب و ادیان گوناگون، زنان، کارگران و آزادی‌خواهان-فرهنگ و نگاهی مشترک ایجاد کند. این پارادایم به ما نشان داد که با وجود همه‌ی

تفاوت‌ها، دردی مشترک داریم و در کنار هم نیرومندتر و رساتر خواهیم بود. ما در پژاک که بنیان‌های فکری‌مان بر همین فلسفه استوار بود، از پیش به این حقیقت باور داشتیم، اما خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و حماسه‌ی «ژن ژیان آزادی» پس از قتل حکومتی ژینا امینی، یقین ما را به درستی این مسیر دوچندان کرد

آلترناتیو: چند سال از آغاز انقلاب «ژن ژیان آزادی» سپری است. اگر از فضای نمادین و شعاری فاصله بگیریم، امروز دستاورد واقعی این انقلاب چیست؟ پژاک برای آنکه «ژن ژیان آزادی» فقط به یک خاطره تاریخی یا شعار سالگردها تبدیل نشود و به سازمان‌یابی پایدار زنان، جوانان و جامعه منجر شود، عملاً چه کرده و چه برنامه‌ای دارد؟

اهون چیاکو: خیزش «ژن ژیان آزادی» اگرچه هنوز به نقطه‌ی پایانی خود یعنی تغییر ساختار قدرت در ایران نرسیده، اما این به معنای فروکش کردن یا پایان یافتن آن نیست. کسانی که نگاهی سطحی و ابزاری به انقلاب

دارند و آن را صرفاً در جابه‌جایی قدرت سیاسی خلاصه می‌کنند، ممکن است چنین پندارند که این روند متوقف شده است؛ اما تحلیل‌گرانی که به ژرفای پدیده‌های اجتماعی نگاه می‌کنند، بر این باورند که دگرگونی سیاسی، خود محصول روندها و بسترسازی‌های عمیق‌تری است. آیا عمیق‌تر شدن روزافزون شکاف میان فرهنگ پویای جامعه و ایدئولوژی فرتوت حکومت، خود جاده صاف کن هدف غایی تغییر ساختار قدرت نیست؟ انقلاب «ژن ژیان آزادی» لحظه به لحظه در حال ایجاد تحولات ساختاری و ریشه‌ای در ابعاد اجتماعی و سیاسی است. نافرمانی‌های مدنی، افزایش چشمگیر جسارت و مقاومت جامعه در برابر ماشین سرکوب، گسست‌های لاعلاج در درون بدنه‌ی حاکمیت، و انزوای روزافزون جمهوری اسلامی در عرصه‌ی منطقه‌ای و جهانی، همگی دستاوردهای مستمر این خیزش بزرگ پس از سال ۱۴۰۱ هستند. پژاک نیز با تمام توان تلاش می‌کند تا بر بستر این انقلاب مترقی، یک سازماندهی نوین و فراگیر اجتماعی با پیشاهنگی زنان و جوانان شکل دهد تا با نیرویی به مرزهای استبداد بتازد. در همین راستا،

چه در سطح کوردستان و چه در مقیاس سراسری ایران، پیگیر ایجاد همگرایی و ائتلاف‌های استراتژیک بوده و در این مسیر به دستاوردهای قابل توجهی نیز دست یافته است

آلترناتیو: یکی از انتقادهایی که می‌توان به بسیاری از جریان‌های اپوزیسیون ایران وارد کرد این است که درباره «بعد از جمهوری اسلامی» بسیار سخن می‌گویند، اما درباره سازوکار واقعی دوران گذار کمتر پاسخ مشخصی دارند. اگر فردا یک بحران سیاسی جدی در مرکز قدرت ایران ایجاد شود، برنامه عملی پژاک برای روز بعد چیست؟ چه نهادی باید کشور را اداره کند، انتقال قدرت چگونه صورت گیرد و چگونه می‌توان مانع خلأ قدرت، خشونت داخلی و بازتولید یک نظام اقتدارگرایی دیگر شد؟

اهون چیاکو: پژاک رویکرد برنامه‌ریزی خود را نه بر مبنای یک احتمال تک‌ساحتی، بلکه بر اساس سناریوهای متعددی تنظیم می‌کند که

سناریوی سقوط یا از دست رفتن کنترل مناطق توسط حکومت، پابندی دقیق به اصول عدالت انتقالی و موازن حقوق

هر یک نیازمند آمادگی همه‌جانبه است: آیا جنگ شدت می‌گیرد یا وضعیتِ فرسایشیِ کنونی تداوم می‌یابد؟ در صورت وقوع جنگ، آیا حکومت سقوط خواهد کرد؟ اگر سقوط رخ ندهد، آیا احتمال دارد برخی مناطق - به‌ویژه کوردستان - از کنترل مرکز خارج شوند؟ اگر رژیم سقوط کند، آیا به‌طور کامل برجسته می‌شود یا بقایای آن با تبدیل شدن به یک نیروی شبه‌دولتی یا غیردولتی، همچنان به اشغال و بحران آفرینی ادامه خواهند داد تا مانع استقرار نظم جدید شوند؟ آیا حاکمیت باج‌خواهی‌ها یا خواست‌های ایالات متحده را برای حفظ بخشی از ساختار خود می‌پذیرد و در ازای آن، سکوتِ قدرت‌های خارجی را در برابر سرکوب داخلی خریداری می‌کند؟

جنگ مسلحانه‌ی کلاسیک دیگر با مقتضیات کنونی هم‌خوانی ندارد، اما ضرورتِ سازمان‌دهی، کنشگری و حق دفاع مشروع هرگز کنار گذاشته نشده است. اسلحه از این نگاه صرفاً ابزاری برای روز مباداست و بنا به شرایط، می‌توان به ابزارهای کارآمد دیگری نیز متوسل شد

بشر از الزامات قطعی خواهد بود؛ و در صورت تداوم وضعیت فرسایشی، رسالت اصلی عبارت است از سازمان‌دهیِ بدنه‌ی اجتماعی، ارتقای انگیزه‌های مقاومت، جلوگیری از بروز فجایع انسانی، و توانمندسازی جامعه برای اینکه به نیروی تعیین‌کننده‌ی دوران گذار بدل شود

رویارویی با چنین چشم‌انداز پیچیده و بحرانی‌ای که سرشار از تهدیدها و در عین حال فرصت‌هاست، رویکردی هوشمندانه و واقع‌بینانه می‌طلبد تا با خنثی‌سازی تهدیدها، بیشترین بهره‌برداری از فرصت‌ها صورت گیرد. سازمان‌دهی و همگراییِ نیروهای آزادی‌خواه و دموکراتیک، نیازی مبرم و انکارناپذیر در این راستاست. در

آلترناتیو: مسئله مبارزه مسلحانه همواره یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات پیرامون پژاک بوده است. امروز نسبت میان فعالیت سیاسی و مدنی، سازمان‌دهی اجتماعی و حق دفاع مشروع در استراتژی پژاک چیست؟ آیا در آینده‌ای که امکان فعالیت آزاد و دموکراتیک سیاسی در ایران فراهم شود، پژاک حاضر است تمام رقابت سیاسی خود را در چارچوب مسالمت‌آمیز و دموکراتیک دنبال کند؟

اهون چیاکو: پژاک همواره تلاش کرده است تا از افتادن در دام شیوه‌های منسوخ مبارزه دوری کند و اگر در عمل خطایی رخ داده، با اصلاح‌گری سیاسی و سازمانی مانع از افراط و تفریط شود، بی‌آنکه به وادی انفعال بیفتد. از منظر این جریان، هرچند جنگ مسلحانه‌ی کلاسیک دیگر با مقتضیات کنونی هم‌خوانی ندارد، اما ضرورت سازمان‌دهی، کنشگری و حق دفاع مشروع هرگز کنار گذاشته نشده است. اسلحه از این نگاه صرفاً ابزاری برای روز مباداست و بنا به شرایط، می‌توان به ابزارهای کارآمد دیگری نیز متوسل

شد. بی‌شک، اگر شرایط برای مبارزه‌ی مدنی، سیاسی و اجتماعی مسالمت‌آمیز فراهم باشد و سایه‌ی تهدید از سر جامعه برداشته شود، مبارزه‌ی دور از خشونت، ایده‌آل‌ترین بستر برای فعالیت پژاک خواهد بود و در چنان فضایی تمام‌قد به میدان خواهد آمد. رویکرد مطلوب ما مسیری است که با کمترین هزینه‌ی انسانی و اجتماعی، بیشترین دستاورد را برای منافع مردم در کوردستان و سراسر ایران به همراه داشته باشد و از هرگونه ماجراجویی غیرواقع‌بینانه پرهیز می‌کند

آلترناتیو: تاریخ معاصر ایران نشان داده که تغییر حکومت لزوماً به معنای دموکراتیک‌شدن جامعه نیست و یک نظام متمرکز می‌تواند جای خود را به نظام متمرکز دیگری بدهد. از نگاه پژاک، چه اصولی باید از همین امروز میان نیروهای مخالف جمهوری اسلامی مورد توافق قرار گیرد تا در فردای تغییر، حقوق زنان، کوردها و دیگر ملیت‌ها، آزادی زبان و آموزش، آزادی عقیده و مشارکت واقعی مردم قربانی رقابت بر سر

قدرت نشود؟

آزادی بیان نباید به آینده موکول شوند، بلکه باید همین امروز به اصول تخلف‌ناپذیر درون جنبش دموکراتیک تبدیل گردند. جایگزینی رقابت‌های ناسالم و قدرت‌محور با فرهنگ اصیل دموکراسی، و نهادینه‌سازی آن از

اهون چیاکو: ریشه‌ی اصلی ناکامی تمام انقلاب‌ها و تلاش‌های آزادی‌خواهانه‌ی ایران از دوران مشروطه تا به امروز، در امتناع از دیدن واقعیت عینی ایران نهفته است؛ جریان‌ات سیاسی غالباً به‌جای مواجهه با ایران واقعی و چندصدایی، از دریچه‌ی تمایلات و آرزوهای خود به آن نگرسته‌اند و به‌ویژه با غفلت از واقعیت فراملی و متکثر کشور، خطای راهبردی بزرگی را مرتکب شده‌اند. تکرار نشدن این تاریخ تلخ، در گرو ترک این نگرش انحصارطلبانه و برنامه‌ریزی و سیاست‌ورزی بر اساس واقعیت‌های ملموس جامعه است؛ چرا که اصرار مجدد بر رویکردهای مرکزگرایانه و ناسازگار با ساختار عینی ایران، یا کشور را در چرخه‌ی بی‌ثباتی مداوم نگه می‌دارد و یا خطر گسست جغرافیایی را به عنوان واکنشی اجتناب‌ناپذیر تحمیل می‌کند

حل ریشه‌ای مسائل اجتماعی-و در رأس آن «مسئله‌ی زنان»- از ارکان بنیادین بنای ایران آزاد و دموکراتیک فرداست. آزادی‌های سیاسی، حقوق بشر و آزادی بیان نباید به آینده موکول شوند، بلکه باید همین امروز به اصول تخلف‌ناپذیر درون جنبش دموکراتیک تبدیل گردند

همین جا و اکنون، تنها راه نجاتی است که ما را از غلتیدن دوباره در چرخه‌ی باطل عصیان و خشونت رهانیده و به ساحل آرامش و آزادی می‌رساند

در کنار این نگرش ساختاری، حل ریشه‌ای مسائل اجتماعی-و در رأس آن «مسئله‌ی زنان»- از ارکان بنیادین بنای ایران آزاد و دموکراتیک فرداست. آزادی‌های سیاسی، حقوق بشر و

آلترناتیو: اگر ده سال دیگر دوباره مقابل شما بنشینیم و از شما پرسیم «پژاک در این ده سال چه تغییری در کوردستان و ایران ایجاد کرد؟»، دوست دارید پاسخ چه باشد؟ پژاک ده سال آینده را برای خود چگونه تصور می‌کند؛ یک حزب سیاسی قدرتمند، بخشی از یک ائتلاف فراگیر ایرانی، نیرویی برای سازمان‌دهی جامعه از پایین، یا جریانی که در صورت تحقق اهدافش حتی آماده است شکل و نقش امروزی خود را تغییر دهد.

اهون چیاکو: امیدواریم گفت‌وگوی ده‌ساله‌ی آینده‌ی ما در درون شهر یا روستایی از کوردستان و ایران انجام گیرد. پژاک با ورود به سومین دهه از حیات مبارزاتی خود، با تمام قوا برای تحقق آرمان «کوردستان آزاد و ایران دموکراتیک» خواهد کوشید و در این مسیر از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد. این جریان ضمن پایبندی استوار به اصول رهایی‌بخش خود، همواره استراتژی‌اش را متناسب با تحولات اجتماعی، سیاسی و ژئوپلیتیک

به‌روزرسانی کرده و در انتخاب تاکتیک‌ها با خلاقیت عمل خواهد کرد. از نگاه ما، ساختار و تشکیلات تنها ابزاری برای رسیدن به آزادی است و هرگز جای هدف را نخواهد گرفت؛ به همین دلیل، پژاک گرفتار جزم‌اندیشی نشده و اگر روزی تغییر در ساختار یا حتی عنوان سازمانی برای پیشبرد اهداف مبارزاتی لازم باشد، با انعطاف کامل خود را با آن تطبیق خواهد داد

ALTERNATIVE
POLITICAL, IDEOLOGICAL & SOCIAL MAGAZINE



شهریور ۱۴۰۵

سال چهاردهم / دوره‌ی چهارم / شماره سیزدهم

آلتیر